

تحلیل تطبیقی کارکردهای سیاق در تفاسیر المیزان و نمونه

لیلا احمدی*

محمد فاکر میبیدی**

چکیده

قاعده سیاق یکی از قواعد تفسیری پرکاربرد است که نقش بسزایی در قرآن پژوهی دارد. برخی از مفسران مانند علامه طباطبایی و آیت الله مکارم شیرازی به میزان زیادی از آن بهره گرفته‌اند. این جستار پس از تبیین سیاق و اعتبار و شرایط تحقق آن، به جایگاه، بسامد و کارکردهای دوازده‌گانه آن در تفاسیر المیزان و نمونه پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد این قاعده ۳۹۴ بار در تفسیر نمونه و بیش از پنج برابر آن در تفسیر المیزان مورد استفاده قرار گرفته است. این نسبت در کارکرد تبیین مفهوم آیات که پرسامدترین کارکرد در هر دو تفسیر نیز هست، تقریباً حفظ شده است. پس از آن، ارزیابی آراء مفسران، تعیین معنای واژه، تبیین قواعد ادبی، ارزیابی روایات، تاریخ‌گذاری قرآن، تشخیص مرجع ضمیر، تشخیص مخاطب، تبیین مبهمات، ارزیابی قرائات و تقیید مطلقات جایگاه بعدی در هر دو تفسیر را از آن خود کرده‌اند. تنها کاربردی که برخلاف روند سایر کاربردها، در تفسیر نمونه فراوانی بیشتری دارد، استخراج احکام فقهی است که به روشنی تأثیر توانایی، علاقه و هدف مفسر را در میزان بهره‌گیری او از قاعده سیاق نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی

تفسیر ادبی، کارکردهای سیاق، قاعده تفسیری، تفسیر المیزان، تفسیر نمونه.

*. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم (نویسنده مسئول).

ahmadikhomyni@gmail.com

m_faker@miu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۹

** استاد گروه قرآن و حدیث جامعه المصطفی (ع) العالمیه.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۱

طرح مسئله

علم رو به رشد قواعد تفسیر در هر دوره‌ای متناسب با تکمیل عقول بشری، قابلیت گسترش و تعمیق داشته و نیازمند اهتمام دانشمندان علوم قرآنی است. بررسی آراء تفسیری مفسران و ارائه معیارهایی برای تفسیر صحیح و جلوگیری از استنباط‌های نادرست از آیات قرآن کریم، نیاز به قواعد تفسیر را دو چندان می‌کند، قواعدی که اصولی کلی را پیش‌روی قرآن‌پژوه می‌گشاید تا در هر موقعیت ممکن، کاربرست آنها دستیابی به مراد اصلی متکلم و مدلول‌های واقعی الفاظ و ترکیب‌های قرآنی را دست‌یافتنی سازد. قاعده سیاق یکی از جنجالی‌ترین قواعد تفسیری است که در زیرمجموعه «قواعد ارتباطی تفسیر» گنجانده می‌شود.

مراد از قواعد ارتباطی در مباحث علوم قرآنی قواعدی است که پیرامون آیه یا فقره‌ای از قرآن، با توجه به پذیرش ارتباطش با آیات و فقرات ماقبل و مابعدش سخن می‌گوید و نقش اساسی در تفسیر آن آیه یا فقره ایفا می‌کند.

در این پژوهش رویکرد ویژه دو تفسیر *المیزان* و *نمونه* به قاعده سیاق، هم‌چنین میزان و اصول بهره‌گیری هر دو تفسیر از این قاعده بررسی می‌گردد؛ نمونه آیاتی که به‌طور مشترک از سیاق در تفسیر آن بهره‌جسته‌اند و آیاتی که در استفاده از سیاق در آن اختلاف داشته‌اند مبنای رویکرد ویژه هر مفسر را به این قاعده مشخص می‌کند.

بنابراین اگر نگاه ویژه هر مفسر به قواعد تفسیری مورد تنقیح و بررسی قرار گیرد، مجموعه‌ای دقیق، گسترده و کارآمد از قواعد تفسیر به دور از کلی‌گویی به همراه نمونه آیاتی که در بردارنده تطبیقات میدانی است در اختیار علاقمندان و مفسران قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

قرآن‌پژوهان افزون بر توجه به قاعده سیاق در کنار قواعد دیگر، به‌طور ویژه نیز به بررسی و تبیین آن اهتمام داشته‌اند که به مهم‌ترین این آثار اشاره می‌شود:

- کتاب *نظریه السیاق القرآنی در اسه تاصلیه دلایله تقدیه*، نوشته المثنی عبدالفتاح محمود که در سال ۲۰۰۸ م در اردن به چ رسیده است.
- کتاب *نقش سیاق در تفسیر قرآن و فقه*، اثر عباس کوثری که در سال ۱۳۹۲ توسط پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم منتشر شده است.
- مقاله «جایگاه سیاق در المیزان»، محمدعلی رضایی‌کرمانی در سال ۱۳۷۶ در مجله

پژوهش‌های قرآنی، شماره نهم و دهم منتشر و به سیاق آیات و جایگاه آن در فهم قرآن در *المیزان* پرداخته است.

- مقاله «گونه‌شناسی کارکرد سیاق در رفع ابهام از ظاهر آیات»، ولی‌الله نقی پورفر و رضا حاج خلیلی که در سال ۱۳۹۰ در فصلنامه *کتاب قیوم*، سال اول. شماره دوم منتشر شده و به سیاق به‌عنوان یکی از اصول مهم تفسیری برای دستیابی به مدلول‌های واقعی الفاظ پرداخته است.

- مقاله «سیاق و سباق در مکتب تفسیری علامه طباطبایی»، مهدی ایزدی و نورالدین زندیه، در سال ۱۳۹۱ در مجله *مطالعات قرآن و حدیث*، سال پنجم، شماره دوم به چ رسیده است و سیاق را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول و مبانی علامه در روش تفسیر قرآن به قرآن مورد بررسی قرار داده است.

- مقاله «بازپژوهی کارکردهای سیاق در تفسیر المیزان»، رسول محمد جعفری و دیگران، که در سال ۱۳۹۵ در مجله *سراج منیر*، ش ۲۴، منتشر شده است و به تبیین کارکردهای سیاق در این تفسیر و میزان فراوانی هر کدام پرداخته است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، برخی از آثار فوق تنها به بررسی قاعده سیاق به‌صورت کلی پرداخته‌اند و برخی نیز رویکرد علامه طباطبایی را به‌طور مجزا مورد بررسی قرار داده‌اند. در نوشتار پیش‌رو برای نخستین بار به روش تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای به بررسی جایگاه سیاق، بسامد و کارکردهای دوازده‌گانه آن در دو تفسیر *المیزان فی تفسیر القرآن* و *تفسیر نمونه* پرداخته است.

مفهوم‌شناسی

۱. قاعده تفسیری

«قاعده» در لغت به پایه و اساس هر چیز گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵ / ۱۰۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۳ / ۳۶۱) و جمع آن «قواعد» است. بسیاری از لغت‌دانان آن را ضابطه و امری کلی دانسته‌اند که بر تمام جزئیات منطبق است. (ن.ک: فیومی، ۱۴۱۴: ۲ / ۵۱۰؛ جرجانی، ۱۳۵۷: ۷۳)

اما در اصطلاح، «قواعد تفسیر» احکام کلیه‌ای است که به واسطه آنها استنباط معانی قرآن عظیم و شناخت چگونگی استفاده از آن [احکام] به دست می‌آید» (سبت، ۱۴۲۶: ۳۰) به عبارت دیگر «قاعده قضیه‌ای کلی است که استنباط معانی قرآن با آن حاصل می‌شود». (فاکر میبیدی، ۱۴۲۸: ۳۳)

بنابراین، قواعد تفسیر مجموعه دستور العمل‌هایی کلی برای تفسیر قرآن مبتنی بر مبانی متقن عقلی، نقلی و عقلایی است که با وجود آنها تفسیر ضابطه‌مند می‌شود و با رعایت آنها خطا در فهم معنا و

مراد آیات کاهش می‌یابد. (بابایی، ۱۳۹۴: ۱۶) روشن است که تمام تعاریف اصطلاحی فوق به نوعی بر کلی و عام بودن و هم‌چنین پایه و اساس بودن آن تأکید دارد.

۲. سیاق

واژه «سیاق» به لحاظ ساختاری مصدر، و در اصل «سواق» بوده که مطابق قواعد اعلال صرفی، واو در آن به یاء تبدیل شده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲ / ۲۵۵؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۳ / ۲۲۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰ / ۱۶۶؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۲ / ۴۲۴) لغت‌پژوهان معانی گوناگونی مانند رشته پیوسته، راندن، تابع، اسلوب و روش، امور مخفی، کنایه از شدت داشتن، صداق و مهریه زن بیان کرده‌اند. (طریحی، ۱۳۷۵؛ فیومی، ۱۴۱۴؛ جوهری، ۱۳۷۶؛ ذیل ماده سوق) همان‌طور که مشاهده می‌شود، معنای اصلی «سیاق»، راندن، حرکت و جریان است و همین معنا در ترکیباتی چون «سیاق کلمات» به اعتبار احاطه یک شیوه و سبک خاص بر کلام اراده شده است.

معنای اصطلاحی این واژه در علم تفسیر، تتابع و نظم معانی در یک رشته از الفاظ قرآنی، (عبدالفتاح محمود، ۲۰۰۸: ۱۵) اسلوب و شیوه جریان سخن، (گروه مولفان، ۱۳۷۵: ۴۶۵) ویژگی یک یا چند جمله در پیوستگی و انسجام ساختاری و وحدت یا ارتباط محتوایی و موضوعی (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۳: ۲۷۲ - ۲۴۷) دانسته شده که بر اثر همراه بودن آن با کلمه‌ها و جمله‌های دیگر پدید می‌آید. (بابایی، ۱۳۹۴: ۱۲۷)

برخی از قرآن پژوهان قرائن پیوسته عقلی را نیز در ذیل «سیاق» دیده‌اند (حسینی، ۱۴۰۰: ۱۲۵) و عده‌ای دیگر چون سید محمدباقر صدر سیاق را هرگونه دلیل پیوند خورده به لفظ و عبارتی که می‌خواهیم آن را بفهمیم، خواه از مقوله لفظ باشد یا قرینه حالیه - مانند فضا، احوال و شرایط کلام - دانسته‌اند. (صدر، ۱۴۲۰: ۱۰۳) بنابراین «سیاق یک مفهوم اساسی در هنگام تفکر برای تکلم است که در ابتدا در ذهن شکل می‌گیرد و بر پایه آن، معانی و مفاهیم نظم می‌یابد و سپس آن معانی برای انتقال به مخاطب در قالب الفاظ (صوت، کلمه، جمله و عبارت‌ها) شفاهی یا نوشتاری، ظهور می‌یابد. بدین جهت می‌توان گفت: سیاق عامل همبستگی و ارتباط با تفکر آدمی است». (کنعانی، ۱۳۸۴: ۲۹)

اعتبار و حجیت سیاق

اصل اعتبار و حجیت سیاق بر این مبنا استوار است که گوینده عاقل و آشنا به قواعد محاوره، هرگز از کلمات و جمله‌هایی که به کار می‌برد، معانی متناقض، متضاد، ناهماهنگ و نامتناسب اراده نمی‌کند و از این رو «واژه‌ها و جمله‌هایی که با هم از گوینده‌ای حکیم صادر می‌شوند در معانی متناسب و

هماهنگ ظهور پیدا می‌کند»، (بابایی، ۱۳۹۴: ۱۲۹) به عبارت دیگر اعتبار سیاق برای فهم معنای مراد، برگرفته از سیره عقلاست. (معلم کلایی، ۱۳۹۱: ۱۵۴)

قرآن یک متن منسجم است که تمامی اجزای آن نسبت به یکدیگر همگرایی معنایی دارند و «به دلیل عدم امکان غفلت و فراموشی در گوینده آن، این اصل عقلایی - سیاق - در مورد قرآن قابل بازیابی است»، (مطهری، ۱۳۷۰: ۱ / ۲۱۲) این اصل در مورد قرآن و گوینده آن، نه تنها قابل بازیابی است بلکه چون برتر از هر متن و ماتی هستند، بیشترین اعتبار را دارد.

برخی روایات قید یا قیودی به اعتبار و حجیت سیاق زده‌اند، به عبارتی دیگر چهارچوبی برای چگونگی استفاده از سیاق تعریف کرده‌اند، که از آن به عنوان شرایط تحقق سیاق نیز یاد می‌کنند، کمیت و کیفیت استفاده از سیاق در تفاسیر مختلف متفاوت می‌باشد، اما روند روبه رشد آن از صدر اسلام تاکنون، کاملاً نمایان است.

شرایط تحقق سیاق

«مفسران دو شرط اصلی تحقق سیاق را ارتباط صدوری و ارتباط موضوعی»، (رجبی، ۱۳۹۴: ۱۰۰) یا «وحدت نزول و وضوح ارتباط»، (قائم‌نیا، ۱۳۹۳: ۳۷۶) می‌دانند، پس هر جا پیوستگی (صدوری و موضوعی) وجود داشته باشد، نقش‌آفرینی سیاق محرز است و هر جا پراکندگی آن ثابت شود سیاق نیز کارایی نخواهد داشت؛ به بیانی دیگر «اگر در ترتیب نزول یا در موضوع، گسستگی وجود داشته باشد، جایی برای استناد به سیاق نیست؛ چراکه جهت‌گیری آنها متفاوت است، (معرفت، ۱۳۹۰: ۱ / ۱۱۴) در موردهای مشکوک که نمی‌دانیم پیوسته است یا پراکنده؟ با اجرای اصل عدم پراکندگی در سخن می‌توان حکم به پیوستگی داد. (فاکرمبیدی، ۱۳۸۷: ۱۳۹)

جایگاه سیاق در تفسیر المیزان و نمونه

در این بخش به بررسی جایگاه سیاق در **تفسیر المیزان** و **نمونه** پرداخته می‌شود. علامه طباطبایی و آیت‌الله مکارم شیرازی استفاده از سیاق در رسیدن به هدف اصلی آیات و تفسیر درست آنها را دارای تأثیر چشمگیری می‌دانند، اما میزان و نحوه بهره بردن از این قاعده مهم تفسیری در کتب تفسیر آنان تفاوت‌هایی با هم دارد که در ادامه بررسی می‌گردد.

۱. دیدگاه مؤلفان تفسیر المیزان و نمونه درباره قاعده سیاق

صاحب **المیزان** در تفسیرش از سیاق بسیار بهره جسته و بیش از دیگران به آن اهتمام ورزیده است؛ به عنوان نمونه ایشان در سوره کوتاه نبأ بیش از سی مورد از سیاق و اثر آن سخن گفته است.

شاید بتوان گفت بعد از تفسیر آیه به آیه که مهم‌ترین شاخصه **المیزان** است، استفاده گسترده از سیاق که در واقع نوعی تفسیر قرآن به قرآن است، این تفسیر را از سایر تفاسیر ممتاز ساخته است. با اینکه **المیزان** تفسیری سیاقی است اما مفسر درصدد تحمیل ارتباط به آیات مستقل نیست، چنان که ایشان در این باره می‌نویسد:

وقتی همه می‌دانیم آیات قرآن تکه‌تکه و به تدریج نازل شده دیگر احتیاج نداریم که با زحمت و با چسب‌های نجسب بین آنها ارتباط برقرار کنیم، بلکه بعضی از آیات قرآن هست که به یکدیگر مربوطند و ارتباطشان روشن است، که شأن کلام بلیغ هم همین است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲ / ۲۸۱)

بنابراین با اینکه علامه طباطبایی بهره‌های فراوان از سیاق برده است اما این‌گونه نبوده که همه‌جا سیاق را بپذیرد و به اصطلاح به دنبال ایجاد رابطه غیرواقعی بین آیات باشد. ذکر این نکته نیز لازم است که هرچایی که **المیزان** از لفظ سیاق استفاده می‌کند، منظور از آن «قاعده سیاق» نیست. آیت‌الله مکارم شیرازی نیز قائل به اهمیت سیاق در تفسیر آیات است و با اینکه تفسیر ایشان به عنوان تفسیر سیاقی مطرح نمی‌باشد، ولی رویکرد مثبت به سیاق در ضمن **تفسیر نمونه** کاملاً آشکار است. ایشان در توضیح جایگاه سیاق یا نقش سیاق در تغییر معنا می‌گوید:

سیاق در فقه، تفسیر و حدیث نقش مهمی دارد؛ مثلاً در فقه در حدیثی امر به انجام چند غسل داده می‌شود که اکثر آنها را غسل واجب می‌دانیم، ولی واجب یا مستحب بودن یکی از آنها در آن میان مشکوک است، در این جا می‌گوئیم وحدت سیاق دلیل بر وجوب آن می‌باشد، یا مثلاً در حدیثی امر به روزه‌هایی شده که غالباً مستحب است ولی در میان آنها احتمال وجوب در یکی می‌دهیم، می‌گوئیم وحدت سیاق دلیل بر استحباب است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۳۹۶: مصاحبه)

از آنجاکه آیات قرآن به تدریج و در وقایع مختلف نازل گردیده، همیشه پیوند با حوادثی دارد که در زمینه آن نازل شده است و چنان نیست که آیات یک سوره یا آیاتی که پشت سر هم قرار دارند، همواره پیوند نزدیک از نظر مفهوم و مفاد داشته باشد، لذا «بسیار می‌شود که دو آیه پشت سر هم نازل شده اما در دو حادثه مختلف بوده و مسیر آنها به خاطر پیوند با آن حوادث از یکدیگر جدا می‌شود»، (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۳۷۱: ۴ / ۴۳۱)، به عنوان نمونه آیت‌الله مکارم شیرازی در کتاب آیات ولایت در قرآن در تفسیر آیه تطهیر می‌نویسد: «منظور از اهل بیت علیهم‌السلام افرادی دیگر غیر از زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده است که خداوند سیاق آیه تطهیر را متمایز از آیات قبل و بعد نازل کرده است».

(مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۳۸۶: ۱۶۳)، منظور از سیاق در اینجا مضمون آیه و محتوای آن، ضمایر و افعال است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۴۲۵: ۱۱۸) به این ترتیب سیاق در **تفسیر نمونه** به معنای بافت سخن، فضای حاکم بر آیات، روند و جریان کلی کلام یا همان روش و اسلوب کلام که سخن بر آن جریان می‌یابد، است. این تفسیر در آغاز تبیین و تفسیر هر دسته از آیات، به هم‌سیاق بودن آنها و همچنین ارتباط آیه با آیات قبل و بعد اشاره می‌کند، به‌ویژه ارتباطاتی که در تفسیر مؤثر است.

۲. بسامد کار بست قاعده سیاق

در **تفسیر المیزان**، ۲۳۶۴ بار واژه «سیاق» در معنای لغوی و اصطلاحی آن به کار رفته است. از این تعداد، ۵۲ بار این واژه در معنای لغوی و ۲۳۱۲ بار در معنای اصطلاحی برای تبیین کارکردهای تفسیری و غیر آن استفاده شده است. از آنجاکه علامه طباطبایی در برخی موارد برای بیان یک کارکرد، بیش از یک بار اصطلاح سیاق را به کار برده است، با احتساب این موارد، حدود ۲۱۱۱ مورد از کارکرد سیاق در **المیزان** به دست آمده است، که با کسر مواردی که بر خلاف سیاق حکم شده است، به عدد ۲۰۹۵ خواهیم رسید. (جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰ - ۹)

در **تفسیر نمونه** تنها ۱۵ بار واژه «سیاق» به کار رفته است که از این میان در ۱۳ مورد قاعده سیاق مد نظر بوده است. با این حال، موارد بسیار زیادی در این کتاب وجود دارد که بدون آمدن این واژه، از قاعده سیاق بهره گرفته شده است. در این پژوهش با مروری بر تحلیل‌های موجود در **تفسیر نمونه**، حدود ۳۹۴ مورد از کارکردهای سیاق در آن به دست آمد که در ادامه مقاله به تفکیک کاربرد، مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۳. کارکردهای قاعده سیاق

قاعده سیاق در موارد بسیار متنوعی مورد استفاده نویسندگان **تفسیر المیزان** و **نمونه** قرار گرفته که نشانگر قابلیت فوق‌العاده آن در گره‌گشایی از تفسیر آیات بسیاری از قرآن است. در ادامه، این کارکردها به ترتیب فراوانی آنها در **تفسیر المیزان** ذکر شده و برای به دست آوردن میزانی جهت مقایسه این کارکردها در این دو تفسیر، در ذیل هر عنوان به تعداد موارد کاربرد این قاعده نیز اشاره شده است.

تبیین مفهوم آیات

بیشترین کارکرد سیاق در هر دو **تفسیر المیزان** و **نمونه**، کشف و تبیین مفهوم آیات قرآن کریم و استخراج نکات لطیف تفسیری است. علامه طباطبایی در ۹۱۷ مورد به کمک سیاق به تبیین مفهوم آیات پرداخته است؛ (جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴) برای نمونه ایشان در ذیل آیات ابتدایی سوره رعد:

«الم ﴿ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴾» می‌نویسد:

ظاهر سیاق آیه و سه آیه بعد با توجه به اتصالی که با یکدیگر دارند، از آیات تکوینی به حساب می‌آیند که به برافراشتن آسمان‌ها، گستراندن زمین، مسخر کردن خورشید، ماه و غیره اشاره دارند و اینها همه بر توحید خداوند سبحان دلالت دارند و قرآن پرده از آن برداشته و حق نیز به سوی آن فرامی‌خواند. این آیه تذکر می‌دهد که تدبر در اجزای آیات و تفکر در آن‌ها، یقین به مبدأ و معاد و نیز علم به حقانیت آنچه را که بر پیامبر ﷺ فرود آمده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱ / ۲۸۵)

علامه همچنین درباره آیه «خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ» (بقره / ۱۶۲)

می‌نویسد:

«خَالِدِينَ فِيهَا» [مرتبط با آیه قبل ۳] و به این معناست که کافران در لعن جاودان هستند و ادامه آیه «لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ» تبدیل سیاق از لعن به عذاب است تا دلالت کند که لعن به عذابی برای آنان تبدیل می‌شود. (همان: ۱ / ۳۹۱؛ برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک به: همان: ۱ / ۱۲۷؛ ۲ / ۴۰۸؛ ۵ / ۳۰۰)

نمونه‌ای از استخراج نکات لطیف تفسیری با توجه به سیاق آیات را می‌توان در رمزگشایی از

حروف مقطعه مشاهده نمود:

اگر کمی در سوره‌هایی که سرآغازشان مشترک است، دقت کنید، از نظر مفهوم نیز به هم شباهت دارند و سیاقشان یک سیاق است، به طوری که شباهت بین آنها در سایر سوره‌ها دیده نمی‌شود. با در نظر گرفتن این شباهت‌ها ممکن است آدمی حدس بزند که بین این حروف و مضامین سوره‌هایی که با این حروف آغاز شده، ارتباط خاصی باشد. (همان: ۱۸ / ۶ - ۱۰)

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در ۱۹۳ مورد به کمک سیاق به تبیین مفهوم آیات پرداخته است برای

نمونه ایشان در آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا»، (بقره / ۲۶) برای ترجیح یکی از دو احتمال در تفسیر عبارت «فَمَا فَوْقَهَا»، (بالا تر از آن در کوچکی یا بالاتر از آن در بزرگی) با توجه به این که سیاق آیات در مقام بیان کوچکی است و گوینده در مقام تحقیر و بیان ضعف مدعیان است، احتمال نخست را برگزیده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱ / ۱۸۵؛ برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک به: همان: ۱ / ۵۰۴ - ۵۰۵؛ ۲ / ۹۹؛ ۳ / ۲۷۶؛ ۸ / ۱۶۲؛ ۱۲؛ ۱۱۷؛ ۱۶ / ۵۰۷ - ۵۰۹)

ارزیابی آراء مفسران

علامه طباطبایی ۳۸۱ بار به کمک سیاق آیات، به نقد و اختیار آراء مفسران پرداخته است که در غالب این موارد، نظرهای تفسیری را نقد کرده است. (جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۰) برای نمونه: ایشان ذیل آیه چهار سوره عنکبوت «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْفِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» می‌نویسد:

بعضی از مفسران درباره این آیه گفته‌اند: مفاد آیه مربوط به توبیخ مؤمنان نافرمان می‌باشد و مراد از این قسمت از آیه که می‌فرماید: «الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ» نیز مؤمنان نافرمان هستند و مراد از سیئات، گناهانی غیر از شرک است که مرتکب می‌شوند، اما سیاق آیه با این نظر مساعدت ندارد. (همان: ۱۴۱۷: ۱۶ / ۱۰۱؛ برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک به: همان: ۲ / ۴۳۲؛ ۳ / ۱۹۳؛ ۵ / ۸ / ۷ / ۳۳۹)

در تفسیر نمونه نقد و اختیار آراء مفسران به کمک سیاق ۴۶ بار صورت گرفته است؛ مثلاً ایشان درباره آیه «... أَلْتَأْتِرُ الْآثِي وَفُودَهَا الْتَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (بقره / ۲۴) می‌نویسد:

برخی از مفسران معتقدند منظور از این تعبیر توجه دادن به شدت حرارت دوزخ است ... ولی آنچه با ظاهر آیات فوق سازگارتر به نظر می‌رسد این است که آتش دوزخ از درون خود انسان‌ها و سنگ‌ها شعله‌ور می‌شود». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱ / ۱۶۳ - ۱۶۴؛ برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک: ۱ / ۳۱۸؛ ۲ / ۸۹؛ ۳ / ۲۵۶؛ ۷ / ۲۹۸؛ ۹ / ۲۰۷ - ۲۰۸)

تعیین معنای واژه

یکی دیگر از کارکردهای سیاق تعیین معنای واژه‌هایی است که بیش از یک معنا بر آنها متصور است. علامه طباطبایی در ۲۱۷ مورد با بهره‌گیری از سیاق به تبیین و تعیین مصداق معنایی واژگان پرداخته است؛ (جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۵) برای نمونه ایشان در آیه «الَّذِينَ يُؤْتُونَ الْأَعْيُودَ وَالْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ»، (توبه / ۱۱۹) گرچه معنای لغوی کلمه «السَّائِحُونَ» را سیر و گردش در زمین می‌داند اما در این آیه با توجه به سیاق، معنای سیر و رفت و آمد در جایگاه‌های عبادت و مساجد را پیشنهاد داده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۳۹۶) ایشان همچنین مراد از عصر در سوگند ابتدای سوره عصر را با توجه به مضمون دو آیه بعد، عصر - یعنی زمان - پیامبر ﷺ که عصر طلوع اسلام بر جامعه بشری و آشکار شدن حق در برابر باطل است می‌داند. (همان: ۲۰ / ۳۵۵)

در تفسیر نمونه در ۶۸ مورد از سیاق برای تعیین معنای واژه استفاده شده و جایگاه دومین کارکرد

سیاق را پیدا نموده است. به عنوان نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی در آیه «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا
وَالسَّمَاءَ بِنَاءً...»، (بقره / ۲۲) می‌نویسد:

کلمه «سما» در قرآن به معانی مختلفی آمده است که قد مشترک همه آنان معنای
فوق است. یکی از آنها که در این آیه به آن اشاره شده است، همان جو زمین است.

مستند ایشان وقوع این کلمه در سیاقی است که مشتمل بر کلمه «ارض» به معنای زمین و سایر
نعم مادی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱ / ۱۵۵؛ برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک: ۴ / ۵۳۳؛
۵ / ۵۸۰؛ ۶ / ۳۴۵؛ ۱۱ / ۲۶۸؛ ۱۳ / ۵۴۳)

تبیین قواعد ادبی

علامه طباطبایی ۱۶۸ بار با بهره‌گیری از سیاق به تبیین قواعد ادبی (صرف، نحو و بلاغت) آیات
پرداخته است. (جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹) برای نمونه ایشان ذیل آیه «قَالَ عَفْرِيْتُ مَنْ لَجِنٌ أَنَا
آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ»، (نمل / ۳۹) می‌نویسد:

«آتیک» اسم فاعل و یا فعل مضارع از مصدر «اتیان» است و احتمال اسم فاعل
بودنش با سیاق مناسبت بیشتری دارد؛ زیرا اولاً اسم فاعل بر استمرار و آمیختگی
فعل (در فاعل) دلالت دارد. ثانیاً جمله «وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ»، جمله اسمیه است و
عطف آن بر جمله اسمیه مناسبت بیشتری دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵؛ ۳۶۲؛
برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک به: ۱۴ / ۱۳۲؛ ۱۹ / ۱۲۲؛ ۱۹ / ۳۱۲)

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در پنج مورد از سیاق برای این امر بهره گرفته است. برای نمونه
ایشان در آیه «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا»،
(آل عمران / ۷) برای تعیین این که جایگاه نحوی کلمه «راسخون» عطف است یا آغاز جمله‌ای
مستقل، به کمک ادله متعددی که یکی از آنها سیاق آیات است احتمال نخست را ترجیح داده است.
(مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۲ / ۵۱۴)

ارزیابی روایات

علامه طباطبایی در مجموع در ۵۹ مورد با بهره‌گیری از سیاق آیات به تأیید و نقد روایات مرتبط با
قرآن کریم پرداخته است. این روایات پیرامون تاریخ‌گذاری آیات، تفسیر آیات، نسخ و تحریف قرآن
کریم هستند. (جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۴ - ۳۰) برای نمونه، ایشان ذیل آیه «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ

تَعَالَوْا إِلَيَّ كَلِمَةً سَوَاءً بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ...» (آل عمران / ۶۴) در نقد روایاتی که نزول آن را در ابتدای هجرت دانسته‌اند، می‌نویسد: «اتصال سیاق آیات این سوره تأیید می‌کند که این آیه قبل از سال نهم هجری نازل شده‌است و داستان وُقُود نیز در سال ششم هجری یا قبل از آن اتفاق افتاده‌است.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳؛ ۲۶۷ - ۲۶۸؛ برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک به: ۹ / ۷۷؛ ۱۴ / ۳۷۷؛ ۲۰ / ۳۳۰؛ ۱۱ / ۳۷۰)

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز ۱۸ بار در **تفسیر نمونه** سیاق را ابزاری برای ارزیابی روایات قرار داده است. برای نمونه ایشان درباره عبارت «يَفْقَهُوا قَوْلِي» (طه / ۲۸) می‌نویسد:

این جمله در حقیقت، آیه قبل را تفسیر می‌کند و از آن، روشن می‌شود که منظور از گشوده شدن گره زبان، این نبوده است که زبان موسی علیه السلام به خاطر سوختگی در دوران طفولیت یک نوع گرفتگی داشته (آن‌گونه که بعضی از مفسران از ابن عباس نقل کرده‌اند) بلکه منظور گره‌های سخن است که مانع درک و فهم شنونده می‌گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۳ / ۲۱۲)

البته سیاق گاهی به تأیید روایات ذیل آیات نیز آمده است که نمونه آن روایاتی است که قارون را از یک سو نماینده فرعون و از سوی دیگر خزانه‌دار گنج‌های فرعون معرفی نموده است. آیت‌الله مکارم شیرازی سیاق آیات ۲۳ و ۲۴ سوره مؤمن را تأییدی بر این روایات دانسته است. (همان: ۱۶ / ۱۸۶ - ۱۸۷)

تاریخ‌گذاری قرآن

تاریخ‌گذاری یا کرونولوژی قرآن عبارت از این است که به کمک روایات مختلف مکی و مدنی، اسباب نزول، ترتیب نزول، ناسخ و منسوخ، تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و بهره‌گیری از اشاره‌ها یا تصریح‌هایی که در قرآن در باب رویدادهای زمان‌مند تاریخ رسالت آن حضرت وجود دارد، زمان و ترتیب تاریخی هر یک از واحدهای نزول قرآن، اعم از یک سوره، تمام یا بخشی از یک سوره، شناسایی و معین گردد. (نکونام، ۱۳۸۰: ۲)

از جمله قرائن و دلائل برای تعیین تاریخ‌گذاری آیات و سوره، سیاق آیات است که علامه طباطبایی در مجموع در ۹۶ مورد از آن بهره برده است. (جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰ - ۱۳) این موارد شامل شناسایی آیات و سوره‌های مکی و مدنی، (ن. ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۵؛ همان: ۱۱ / ۲۸۵؛ همان: ۱۲ / ۲۰۳)، شناسایی واحد نزول آیات و سوره‌ها (ر. ک: همان: ۲ / ۴؛ ۷ / ۵؛ ۲۰ / ۳۲۲) و

تعیین زمان نزول آیات (همان: ۹ / ۱۹ و ۳۶۷؛ ۱۲ / ۲۰۳) است.

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در هشت مورد از سیاق آیات برای این مهم استفاده کرده است. برای نمونه ایشان در ذیل آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا»، (مائده / ۳) می‌نویسد:

باید از روی قرائن و نشانه‌ها و تاریخ نزول این آیه و این سوره و تاریخ زندگانی پیامبر ﷺ و روایاتی که از منابع مختلف اسلامی به دست ما رسیده این روز مهم را پیدا کنیم. آیا منظور روزی است که احکام بالا درباره گوشت‌های حلال و حرام نازل شده؟ قطعاً چنین نیست؛ زیرا نزول این احکام واجد این همه اهمیت نیست نه باعث تکمیل دین است؛ زیرا آخرین احکامی نبوده که بر پیامبر ﷺ نازل شده، به دلیل اینکه در دنباله این سوره به احکام دیگری نیز برخورد می‌کنیم. آیا منظور از آن روز عرفه در آخرین حج پیامبر ﷺ است؟! پاسخ این سؤال نیز منفی است؛ زیرا نشانه‌های فوق بر آن روز نیز تطبیق نمی‌کند، چون حادثه خاصی که باعث یأس کفار شود در آن روز واقع نشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۴ / ۳۴۱)

نمونه دیگر این کاربرد در **تفسیر نمونه** حکم به وحدت نزول آیات ۱۹۰ تا ۱۹۳ سوره بقره بر پایه وحدت سیاق آنهاست. (همان: ۲ / ۲۸)

تشخیص مرجع ضمیر

یکی از مسائل مهم در تفسیر آیات قرآن، توجه به مرجع ضمیر آیات است. علامه طباطبایی در ۹۴ مرتبه به کمک سیاق به تعیین مرجع ضمیر پرداخته است؛ (جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶) برای نمونه، ایشان ذیل آیه ۱۰ سوره انفال «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرًا وَ كَتَمْنَا بِهِ قُلُوبَكُمْ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنْ أَلَّ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» می‌نویسد:

دو ضمیری که در واژه‌های «جَعَلَهُ» و «بِهِ» وجود دارد، با توجه به دلالت سیاق به امداد ملائکه بازمی‌گردند و معنا آن این می‌شود که یاری نمودن ملائکه هدف بشارت و موجب اطمینان شما بوده است، نه اینکه کافران به دست آنها کشته شوند، همان‌گونه که در آیه بعد به آن اشاره شده است. (ر. ک به: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۲۱؛ برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک به: ۳ / ۹۴؛ ۴ / ۲۰۸؛ ۵ / ۴۰؛ ۸ / ۳۴۸؛ ۱۰ / ۷۵)

در **تفسیر نمونه** نیز ۱۹ بار مرجع ضمیر به کمک سیاق تعیین شده است. برای مثال، آیت‌الله

مکارم شیرازی ذیل آیه «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا» (بقره / ۲۵۵) مرجع ضمیر مفعولی در «يُؤَدُّهُ» را با توجه به سیاق آیات قبل، واژه «الله» می‌داند و نه «کرسی». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۲ / ۳۲۲؛ برای ملاحظه نمونه‌های دیگر ر. ک به: ۴ / ۳۵ - ۳۶ / ۶ / ۳۴۵؛ ۱۴ / ۲۰۰؛ ۱۵ / ۱۳۷)

تشخیص مخاطب

در مواردی که به شخص مخاطب تصریح نشده، تشخیص آن با دشواری‌هایی همراه است. یکی از روش‌های اطمینان‌بخش برای یافتن مخاطب آیات، بهره‌گیری از سیاق آیات است. علامه طباطبایی در ۴۰ مورد، با بهره‌گیری از سیاق به تعیین مخاطب آیات پرداخته است؛ (جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶) از جمله ایشان ذیل آیه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون» (انبیاء / ۹۲) می‌نویسد: «خطاب در این آیه، چنان‌که سیاق آیات شهادت می‌دهند، خطابی عام است که همه انسان‌های مکلف را در بر می‌گیرد». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴: ۳۲۲)

در تفسیر نمونه نیز چنین کارکردی از سیاق در چهار مورد وجود دارد؛ به‌عنوان نمونه در سوره یوسف علیه السلام بعد از آنکه زنان مصر بر بی‌گناهی یوسف علیه السلام نزد فرمانروای مصر شهادت دادند، همسر عزیز مصر (زلیخا) گفت:

الآن حَصَّصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ. (یوسف / ۵۱)

الان حق آشکار گشت! من بودم که او را به سوی خود دعوت کردم! و او از راستگویان است.

سپس به گناه خود اعتراف کرد و از آنجا که گویا از خواب غفلت بیدار شده بود، افزود:

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ. (یوسف / ۵۲)

این سخن را به‌خاطر آن گفتم تا بدانند من در غیاب به او خیانت نکردم و خداوند مکر خائنان را رهبری نمی‌کند.

به این ترتیب وی اعتراف به خطای خود را به اوج رساند، چنان‌که در آیه بعد می‌خوانیم:

وَمَا أُبْرئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ. (یوسف / ۵۳)

من هرگز نفس خویش را تبرئه نمی‌کنم که نفس (سرکش)، بسیار به بدی‌ها امر می‌کند مگر آنچه را پروردگارم رحم کند، پروردگارم غفور و رحیم است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در آن از نقش نفس امّاره سخن به‌میان آمده و تمنای عفو از

سوی خدای متعال شده است. مفسران در اینکه آیه فوق از سخنان زلیخا است یا سخن یوسف علیه السلام اختلاف نظر دارند. علامه طباطبایی با توجه به علو مفاهیم این سخن معتقد است باید کلام حضرت یوسف علیه السلام باشد، (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱ / ۲۱۵ - ۲۱۶) اما تفسیر نمونه ذیل این آیه می‌نویسد:

وحدت سیاق ایجاب می‌کند که از گفتار زلیخا باشد و دنباله اعتراف‌های قبلی او. در سیاق آیات سخنی از یوسف علیه السلام در میان نبوده، تا این آیه ناظر به آن باشد و دور از ذهن نیست که زلیخا بعد از بیداری وجدان و اعتراف مکرر به خطای خود چنین سخن بگوید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۹ / ۴۳۴)

نمونه دیگر این کارکرد، تعیین مخاطب واقعی است. مثلاً در آیه «فَإِنْ كُنْتَ فِي شكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ»، (یونس / ۹۴) آیت‌الله مکارم شیرازی با توجه به سیاق آیات چنین نتیجه گرفته است که گرچه مخاطب ظاهری شخص پیامبر صلی الله علیه و آله است اما مخاطب واقعی مخالفان هستند:

چون در آیات گذشته قسمت‌هایی از سرگذشت‌های انبیاء و اقوام پیشین ذکر شده بود و ممکن بود بعضی از مشرکان و منکران دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله در صحت آنها تردید کنند، قرآن از آنها می‌خواهد که برای فهم صدق این گفته‌ها به اهل کتاب مراجعه کنند و چگونگی را از آنها بخواهند؛ چرا که در کتب آنها بسیاری از این مسائل آمده است. اما به جای اینکه روی سخن را به مخالفان کند، پیامبر را مخاطب ساخت. (همان: ۸ / ۴۶۴)

تبیین مبهمات

علامه طباطبایی ۲۹ بار به کمک سیاق در تبیین مواردی که به هر دلیل در قرآن کریم بدان تصریح نشده و مبهم باقی مانده، سعی داشته که بیشتر این موارد را به نکات تاریخی پیوند زند. برای نمونه ایشان با توجه به سیاق، سخن نقل شده در آیه «وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلُّ مَنْ عِنْدَ اللَّهِ»، (نساء / ۸۷) را نه سخن یهودیان و نه سخن منافقان می‌داند، بلکه بر این باور است که:

مراد از «حسنه» و «سیئه» حوادث تلخ و شیرین دوره مدنی است و این آیه بازگوکننده سخن مردمی است که از ایمان کافی برخوردار نبودند و سیئات را به پیامبر نسبت می‌دادند و او را مایه نابسامانی‌های خویش می‌دانستند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۷)

ابزار سیاق در تفسیر نمونه نیز ۱۳ بار به کمک نویسنده آمده تا ابهام‌هایی این چنین را تبیین

نماید. برای نمونه آیت‌الله مکارم شیرازی در آیه «وَأَمْرَأْتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكْتُ فَبَشَّرْتَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ» (هود / ۷۱) احتمال‌های مختلفی را درباره سبب خنده همسر ابراهیم علیه السلام نقل نموده و به کمک دلالت سیاق آیات بر این که بشارت به اسحاق بعد از این خنده به او داده شده است، این احتمال که خنده او از جهت خوشحالی به خاطر بشارت بر فرزند بوده باشد را نمی‌پذیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۹ / ۲۰۷؛ برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک به: ۱ / ۵۷۸؛ ۲ / ۱۴۹؛ ۵ / ۱۷۰؛ ۹ / ۲۰۷)

ارزیابی قرائات

از جمله روش‌های معمول برای تفسیر آیات، توجه به قرائت‌های مختلف واژگان قرآن است، و بر این پایه، تفسیر آیه گاه بر اساس اختیار یک قرائت و گاه با احتمال صحیح چند قرائت صورت می‌پذیرد. برای دستیابی به قرائت صحیح و مختار واژگان، راه‌های مختلفی وجود دارد که از جمله آنها بهره‌گیری از سیاق آیات است. علامه طباطبایی در شش مورد با بهره‌گیری از سیاق به اختیار قرائت صحیح آیه پرداخته است؛ (جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۲) برای نمونه، در *المیزان* ذیل آیه ۹ سوره فتح «لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلاً» آمده است:

قرائت مشهور در افعال چهارگانه این آیه، به تاء مخاطب است. ابن‌کثیر و ابوعمرو تمام این افعال را به یاء غایب قرائت کرده‌اند و قرائت این دو با توجه به سیاق، صحیح‌تر می‌باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸؛ ۲۷۳؛ برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک به: همان: ۲؛ ۱۵۹؛ همان: ۵؛ ۳۷۶؛ همان: ۱۵؛ ۱۹۲؛ همان: ۱۵؛ ۴۰۲؛ همان: ۲۰؛ ۴۰)

در *تفسیر نمونه* به مسئله اختلاف قرائت‌ها توجه چندانی نشده است، از این‌رو موردی که در آن از سیاق بهره گرفته شده باشد، دیده نمی‌شود.

استخراج حکم شرعی

علامه طباطبایی تنها در چهار مورد با بهره‌برداری از سیاق به بیان احکام شرعی پرداخته است. برای نمونه، ذیل آیه «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»، (توبه / ۶۰) می‌نویسد:

آیه بیانگر مصارف صدقه واجب است. بر اساس سیاق آیه و با توجه به جمله «فَرِيضَةً

مَنْ اللَّهُ» که ذیل آیه آمده است، مراد از صدقه واجب، زکات می‌باشد که موارد مصارف آن هشت مورد می‌باشد و لازمه آن نیز این است که فقیر و مسکین جدای از یکدیگر در نظر گرفته شوند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۳۱۰؛ برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک به: همان: ۵ / ۶۱؛ همان: ۵ / ۱۶۵ و همان: ۶ / ۱۱۱)

اما آیت‌الله مکارم شیرازی با توجه به ذوق و توجه فقهی خاص خود، در موارد بیشتری (۲۴ مورد) به کارکرد سیاق در استخراج احکام فقهی توجه نموده است. برای نمونه ایشان درباره حکم «وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ»، (بقره / ۲۰۳) می‌نویسد:

با توجه به اینکه این دستور، به قرینه آیات سابق مربوط به پایان مراسم حج است ناظر به روزهای یازده و دوازده و سیزده ماه خواهد بود که در لسان روایات به عنوان «ایام تشریق» نامیده شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۲ / ۸۷؛ برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک: ۲ / ۱۶۲؛ ۴ / ۳۰۹؛ ۴ / ۳۶۸؛ ۱۴ / ۴۸۱)

تقیید مطلق‌ها

یکی از روش‌های یافتن آیات مقید، توجه به سیاق است. علامه طباطبایی در یک مورد چنین استفاده‌ای از سیاق کرده است. ایشان ذیل آیه «وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ يُضْلُوكَ وَمَا يُضْلُونَ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...» (نساء / ۱۱۳) می‌نویسد:

این قسمت از آیه «وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ» ضرر رساندن کافران به پیامبر ﷺ را به صورت مطلق نفی می‌کند. مع ذلک، ظاهر سیاق بیانگر تقیید آن با جمله «وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ» است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵: ۷۸)

برای این کارکرد سیاق در تفسیر نمونه موردی یافت نشد.

نتیجه

قاعده تفسیری سیاق کارکردهای فراوانی در فهم و تفسیر قرآن کریم دارد. این قاعده در تفسیر *المیزان* ۲۰۹۵ بار و در تفسیر نمونه ۳۹۸ بار مورد استفاده قرار گرفته است. تفسیر نمونه بر خلاف تفسیر المیزان کار خود را با نقل شأن نزول آیات آغاز می‌کند و بیش از آن که بخواهد سیاق را دست‌مایه‌ای برای بهره‌گیری جزئی در تفسیر کلمات و آیات کند، سعی در کشف و بیان ارتباط آیات

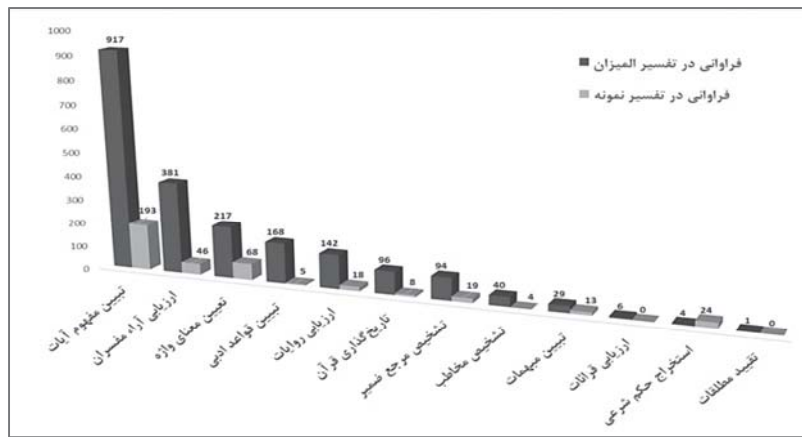
و فرازهای مختلف یک سوره دارد تا از این رهگذر سیر پیوسته آیات یک سوره و مقصود از چینش کنونی آیات را نشان دهد. هرچند قطعاً پس از شکل‌گیری این سیر منسجم گشایشی برای فهم بهتر آیات قبل و بعد حاصل خواهد شد.

تفسیر نمونه با توجه به هدفی که برای خویش قرار داده است، به دنبال ارائه درس‌هایی از قرآن برای حل مشکلات جامعه اسلامی بوده است. از این‌رو در بسیاری موارد به بررسی تفصیلی آراء مفسران، روایات تفسیری، اختلاف قرائت‌ها و احتمال‌های دیگر نپرداخته است و تنها نظر نهایی و مختار خویش را ارائه نموده یا بدون ذکر دلیل یکی از احتمال‌ها را ترجیح داده است. از این‌رو، و همچنین با توجه به ناظر بودن این تفسیر بر تفاسیر دیگری چون **المیزان** می‌توان گفت که گرچه قاعده سیاق این کتاب نمود بسیار کم‌رنگ‌تری نسبت به **تفسیر المیزان** دارد اما قطعاً به میزان گسترده‌ای مورد توجه مؤلف بوده است.

در این پژوهش با تقسیم بندی کارکردهای مختلف سیاق و احصاء هر مورد در این دو تفسیر، جدول زیر به دست آمده است.

| ردیف | کارکرد | فراوانی در تفسیر المیزان | فراوانی در تفسیر نمونه |
|------|---------------------|--------------------------|------------------------|
| ۱ | تبیین مفهوم آیات | ۹۱۷ | ۱۹۳ |
| ۲ | ارزیابی آراء مفسران | ۳۸۱ | ۴۶ |
| ۳ | تعیین معنای واژه | ۲۱۷ | ۶۸ |
| ۴ | تبیین قواعد ادبی | ۱۶۸ | ۵ |
| ۵ | ارزیابی روایات | ۱۴۲ | ۱۸ |
| ۶ | تاریخ‌گذاری قرآن | ۹۶ | ۸ |
| ۷ | تشخیص مرجع ضمیر | ۹۴ | ۱۹ |
| ۸ | تشخیص مخاطب | ۴۰ | ۴ |
| ۹ | تبیین مبهمات | ۲۹ | ۱۳ |
| ۱۰ | ارزیابی قرائات | ۶ | ۰ |
| ۱۱ | استخراج حکم شرعی | ۴ | ۲۴ |
| ۱۲ | تقیید مطلقات | ۱ | ۰ |
| | مجموع | ۲۰۹۵ | ۳۹۸ |

جدول ۱: فراوانی کارکردهای سیاق در تفسیر المیزان و نمونه



نمودار ۱: فراوانی کارکردهای سیاق در تفسیر المیزان و نمونه

با دقت در جدول و نمودار فوق می‌توان گفت که نسبت یکسانی میان فراوانی کاربردهای مختلف سیاق در **المیزان** و **تفسیر نمونه** وجود ندارد. در مجموع، قاعده سیاق در تفسیر **المیزان** بیش از پنج برابر **تفسیر نمونه** به کار رفته است. این نسبت در کارکرد تبیین مفهوم آیات و استخراج نکات لطیف تفسیری که پربسامدترین کاربرد در هر دو تفسیر نیز هست، تقریباً حفظ شده است. پس از آن، ارزیابی آراء مفسران، تعیین معنای واژگان، ارزیابی روایات شأن نزول و تفسیری، تاریخ‌گذاری آیات و سور قرآنی، تشخیص مرجع ضمیر، تشخیص مخاطب و تبیین مبهمات جایگاه بعدی در هر دو تفسیر را از آن خود کرده‌اند.

علامه طباطبایی در حدود ۱۶۸ مورد به تبیین قواعد ادبی به کمک قاعده سیاق پرداخته است اما این کارکرد تنها ۵ بار در **تفسیر نمونه** قابل مشاهده است. مشابه این امر در ارزیابی قرائات نیز وجود دارد: **المیزان** در ۶ مورد از آن استفاده کرده اما در تفسیر نمونه موردی برای آن دیده نمی‌شود؛ علت این امر را همان‌طور که پیش‌تر بیان شد می‌بایست در تفاوت هدف اصلی این دو تفسیر جستجو نمود. تنها کاربردی که برخلاف روند سایر کاربردها، در تفسیر نمونه فراوانی بیشتری دارد، استخراج احکام فقهی است. آیت‌الله مکارم شیرازی با توجه به ذوق و توجه فقهی خاص خود، در ۲۴ مورد از سیاق برای این منظور بهره برده است، درحالی‌که **المیزان** تنها چهار بار این کارکرد قابل مشاهده است. این امر به روشنی تأثیر توانایی، علاقه و هدف مفسر را در میزان بهره‌گیری او از قاعده سیاق نشان می‌دهد.

در پایان، باید به تقييد مطلق‌ها اشاره نمود که کم‌استفاده‌ترین کاربرد سیاق است، این امر در تفسیر **المیزان** تنها یک مورد اتفاق افتاده و در **تفسیر نمونه** اصلاً دیده نمی‌شود.

منابع و مأخذ

الف) کتابها

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷. *النهاية في غريب الحديث والاثر*، قم، اسماعیلیان، چ ۴.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر، چ ۳.
- اوسی، علی، ۱۳۸۱، *روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان*، ترجمه سیدحسین میرجلیلی، تهران، چاپ و نشر بین الملل.
- بابایی، علی اکبر و دیگران، ۱۳۷۹، *روش شناسی تفسیر قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بابایی، علی اکبر، ۱۳۹۴، *قواعد تفسیر قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، سمت.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶، *الصاحح، تاج اللغة و صحاح العربية*، بیروت، دار العلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *تفصیل وسائل الشیعه لتحصیل الی مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل البیت علیه السلام.
- حسینی، محمدرضا، ۱۴۰۰ق، *کیف نفهم القرآن*، بی جا، مؤسسه وفا.
- خامه گر، محمد، ۱۳۸۶، *ساختارهای هندسی سوره های قرآن؛ پیش درآمدی بر روش های نوین ترجمه و تفسیر قرآن کریم*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چ ۲.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۵، *فرهنگ متوسط دهخدا*، تحقیق جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران.
- ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۸۳، *هرموتیک و منطق فهم دین*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- رجبی، محمود، ۱۳۹۴ش، *روش تفسیر قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۶.
- زرکشی، محمد بن بهادر، ۱۴۱۰ق، *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق جمال حمدی ذهبی، ابراهیم عبدالله کردی و یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دار المعرفة.
- سبت، خالد بن عثمان، ۱۴۲۶ق، *قواعد التفسیر جمعاً و دراساً*، قاهره و ریاض، دار ابن عفان و دار ابن القیم.
- صدر، سید محمدباقر، ۱۴۲۰ق، *دروس فی علم الاصول (الحلقه الاولى)*، قم، دار الثقلین.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.

- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۳، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طریحی، فخرالدین محمد، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی، چ ۳.
- عبدالفتاح محمود، المثنی، ۲۰۰۸ م، *نظریه السیاق القرآنی دراسة تاصيلية دلالية نقدية*، اردن، وائل.
- فاکرمییدی، محمد، ۱۳۸۹، *آیات الاحکام تطبیقی*، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، چ ۲.
- فاکرمییدی، محمد، ۱۴۲۸ ق، *قواعد التفسیر لدى الشيعة و السنة*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *کتاب العین*، قم، دارالهجرة، چ ۲.
- فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، *المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی*، قم، دار الهجرة.
- قائمی نیا، علیرضا، ۱۳۹۳، *بیولوژی نص*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۲.
- گروه مولفان، ۱۳۷۵، *المعجم الوسیط*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۶.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الفکر.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۰، *آشنایی با قرآن*، تهران، صدرا.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۷، *علوم قرآنی*، قم، التمهید، چ ۹.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۹۰، *تفسیر ائری جامع*، ترجمه جواد ایروانی، قم، التمهید.
- معلم کلایی، شمس الله، ۱۳۹۱، *روش شناسی تفسیر من وحی القرآن*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۷، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۳۶.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، *آیات ولایت در قرآن*، قم، نسل جوان، چ ۳.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۵ ق، *آیه الولاية فی القرآن*، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- وائلی، محمد بن حمود، ۱۴۰۷ ق، *القواعد الفقهية تاريخها و اثرها فی الفقه*، المدینة المنوره، الرحاب.
- ب) مقاله ها**
- جعفری، محمد، حسن اصغریور و مرتضی اوحدی، ۱۳۹۵، «بازی پژوهی کارکردهای سیاق در تفسیر المیزان»، *سراج منیر*، ش ۲۴، ص ۴۶ - ۷، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

- ربیع نتاج، سید علی اکبر، ۱۳۸۵، «نقش سیاق در کشف معانی قرآن از منظر مؤلف المیزان»، *مطالعات اسلامی*، ۱۳۸۵، ش ۷۲، ص ۸۲-۵۵، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- رضایی کرمانی، محمدعلی، ۱۳۷۶، «جایگاه سیاق در المیزان»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۹ و ۱۰، ص ۲۰۵-۱۹۴، مشهد، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان.
- فاکرمییدی، محمد، ۱۳۸۷، «سیاق و تفسیر قرآن»، *قبسات*، ش ۵۰، ص ۱۵۴-۱۳۱، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کلباسی اصفهانی، فهیمه و مصطفی میرسعید، ۱۳۹۴، «روش‌شناسی علامه طباطبایی در بهره‌گیری از سیاق در المیزان»، *روش‌شناسی مطالعات دینی*، ش ۲، ص ۸۷-۶۶، تهران، دانشگاه پیام نور.
- کنعانی، سید حسین، ۱۳۸۴، «سیر تحول کاربرد سیاق در تفسیر»، *مشکوٰه*، ش ۸۷، ص ۴۲-۲۸، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مروتی، سهراب و امان‌الله ناصری کریموند، ۱۳۹۱، «روش علامه طباطبایی در بررسی و نقد تفاسیر روایی با تکیه بر قاعده سیاق»، *حدیث پژوهی*، ش ۸، ص ۲۳۲-۲۰۹، کاشان، دانشگاه کاشان.
- ناصح، علی‌احمد، ۱۳۸۵، «کارکردهای سیاق در تفسیر قرآن کریم»، *پژوهش‌نامه قرآن و حدیث*، ش ۱، ص ۱۳۰-۱۰۷، تهران، انجمن علوم قرآن و حدیث ایران.
- نقی پورفر، ولی‌الله و رضا حاج‌خلیلی، ۱۳۹۰، «گونه‌شناسی کارکرد سیاق در رفع ابهام از ظاهر آیات»، *کتاب‌قیم*، ش ۲، ص ۱۲۳-۹۹، مشهد، دانشگاه مشهد.

